

« هر جمعه، یک دقیقه با وحی: » (شماره: ۱۸)

آهای « مردم بازیگوش »، « بهوش »:

غالب مردم با اینکه از وجود « آخرت » خبر دارند اما « حسابرسی دقیق قیامت » را باور ندارند:

اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (انبیاء/۱)

(برای مردم، حسابرسیشان نزدیک شده اما آنها غافلانه رویگردانند.)

پرسش اول: « علت غفلت مردم » از « آخرت » چیست؟

پاسخ: به خاطر اینست که آنها « غرق در بازی » هستند:

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (انبیاء/۲)

(سخن تازه‌ای از خدایشان نیامده مگر اینکه آن را در حال بازی شنیدند.)

در حالی که هیچ چیزی در آفرینش برای « بازی » آفریده نشده است:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (انبیاء/۱۶)

(در حالی که ما، آسمان و زمین و آنچه در آنهاست را بازیچه نیافریدیم.)

پرسش دوم: « بازی » چیست؟

پاسخ: هر چیزی در عالم، « یک نام » و « یک واقعیت محسوس » و « یک خاصیت معقول » دارد.

مثلاً: « آب »، ۱- « نام »، ۲- « مایعی » است که ۳- « تشنگی » را برطرف می‌کند.

اگر انسان فقط « نام » هر چیزی را تکرار کند یا با « واقعیت » آن « سرگرم » و در آنها « متوقف »

باشد و از « خاصیت » آن چیز « بهره‌ای » نبرد، در واقع با آنها « بازی » می‌کند.

مثل: آب‌بازی، عشق‌بازی، عروسک‌بازی، خاله‌بازی، سیاست‌بازی، کاغذبازی، بازی با: ریش، سیبیل، لباس، کبوتر، گربه، سگ و غیره ... پس با « حلوا حلوا گفتن » و « حلوا دیدن » دهان شیرین نمی‌شود و با آب گفتن و آب دیدن و با دریا عکس یادگاری گرفتن، تشنگی برطرف نمی‌شود و تکرار مکرر أسماء خدا و انبیاء و ائمه اطهار صلوات الله علیهم و دیدن آن بزرگواران و حتی همسر یا فرزند یا اصحاب آنها بودن و با رفتن به مکانهای مقدس و عکس سلفی گرفتن با آنها هم قطعاً « عامل هدایت انسان نمی‌شود. »

پرسش سوم: چرا مردم (مذهبی و غیر مذهبی) در « نام‌ها و ظاهر هر چیز » متوقفند و با آنها « بازی » می‌کنند؟

پاسخ: چون آنها به « خالق خود » و به « آخرت خود » هیچ « توجه قلبی » ندارند:

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى ... (انبیاء/۳)